

عده گرفت. آن گاه جوان به راحتی جان سپرد.<sup>۷</sup> (← هدایا)

### ◀ منابع

اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبه الثقافه، ۱۴۱۵ق؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ اریخ مکه المشرفه: محمد بن احمد ابن الضیاء (م. ۸۵۴ق.)، به کوشش علاء و ایمن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ جمع البحرين: الطریحی (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش الحسینی، تهران، نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق؛ معجم ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق؛ معجم مقاییس اللغه: احمد بن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق.

سید خلیل جوادی



### ابرهه: فرمانده سپاه حبشه در تهاجم به

#### مکه پیش از اسلام

أبرهه نامی حبشی است<sup>۸</sup> که عرب‌ها از آن استفاده نکرده‌اند.<sup>۹</sup> گروهی نیز با بیان ریشه سه

۷. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۴۷؛ تاریخ مکه المشرفه، ج ۱، ص ۱۱۷.  
 ۸. الاشتقاق، ج ۱، ص ۵۳۲؛ جمهره اللغه، ج ۱، ص ۳۳۱، «بره».  
 ۹. المعرب، ص ۱۶.

شن و خاک در آن آمیخته باشد.<sup>۱</sup> نیز به هر زمین یا کوهی که دارای دو رنگ باشد، ابرق گفته می‌شود.<sup>۲</sup> مکان‌هایی بدین نام در حجاز وجود دارند.<sup>۳</sup> از میان مورخان، تنها ازرقی از ابرق به معنای مال کعبه یاد کرده است.<sup>۴</sup> به گفته وی هدایای کعبه درون چاهی ریخته می‌شد که ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام هنگام پایه‌گذاری خانه خدا آن را کنده بودند.<sup>۵</sup>

شاید به سبب رنگارنگ بودن و گوناگونی این اموال اهدایی، آن‌ها را ابرق می‌گفته‌اند. مردم برای این مال حرمت فراوان قائل بودند و باور داشتند که این مال در صورتی که با مالی دیگر آمیخته شود، موجب نابودی آن خواهد شد و کمترین گرفتاری برای دارنده چنین مالی، دشوار شدن جان کندن اوست.<sup>۶</sup> به گزارش ازرقی از عبدالله بن زراره، جان دادن جوانی از پرده‌داران کعبه دشوار شد و پس از اعتراف وی به ربودن ۴۰۰ دینار از اموال کعبه، پدرش پرداخت آن را بر

۱. معجم مقاییس اللغه، ج ۱، ص ۲۲۶؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۹، ۶۵؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۶، «برق».  
 ۲. تاج العروس، ج ۱۳، ص ۲۱، «برق».  
 ۳. معجم ما استعجم، ج ۴، ص ۱۲۲۶؛ نک: معجم البلدان، ج ۱، ص ۶۹.  
 ۴. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۴۸.  
 ۵. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۴۵.  
 ۶. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۴۸.

حرفی «ب - ر - ه» برای این واژه، آن را عربی می‌دانند و معنایش را سفیدی چهره و آشکار شدن و بیان کردن دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

ابرهه از فرمانروایان یمن و صاحب فیل یاد شده در قرآن و حمله‌کننده به مکه بوده است. در برخی منابع، نام او ابرهه بن صباح<sup>۲</sup> و در برخی دیگر ابرهه بن اشرم<sup>۳</sup> بیان شده است. اما بیشتر مورخان و سیره‌نویسان نام صحیح او را ابرهه الاشرم با کنیه ابو یکنسوم یاد کرده‌اند.<sup>۴</sup> به گفته جوهری در صحاح و دیگران، ابرهه بن صباح شخصی غیر از ابرهه معروف و از بزرگان یمن و فردی عالم و بخشنده بوده است.<sup>۵</sup> ابرهه معروف، فردی حبشی<sup>۶</sup>، کوتاه قد، بریده‌بینی (اشرم)، بسیار مکار و حيله‌گر<sup>۷</sup> و دارای دو فرزند به نام‌های یکنسوم و مسروق بوده که پس از او پادشاه شدند.<sup>۸</sup>

#### ◀ فرمانروایی: در گزارش‌های تاریخی با

تفاوت‌هایی اندک، درباره فرمانروایی ابرهه آمده که پادشاه حبشه برای گسترش مسیحیت و جلوگیری از ستم پادشاه یهودی یمن، ذونواس، به مسیحیان، لشکری ۷۰/۰۰۰ نفری به فرماندهی ارباط روانه یمن کرد که ابرهه معروف به اشرم نیز در لشکر وی بود. ارباط بر ذونواس پیروز شد و یمن را تصرف کرد و یهودیان را کشت و اموالشان را تصرف کرد.<sup>۹</sup>

ارباط چندین سال در آنجا حکومت کرد. سپس ابرهه اشرم با او به نزاع برخاست<sup>۱۰</sup> و حبشیان دو دسته شدند: دسته‌ای با ارباط و دسته‌ای دیگر با ابرهه همراه شدند و برای جنگ در برابر یکدیگر ایستادند.<sup>۱۱</sup> در آغاز جنگ، ارباط پیشدستی کرد و با نیزه بر بینی ابرهه زد و بینی او بریده شد. از این رو، وی اشرم نامیده شد<sup>۱۲</sup>؛ اما سرانجام ابرهه توانست با نیرنگ و خدعه بر ارباط پیروز شود.<sup>۱۳</sup> در نتیجه این پیروزی، وی خود را پادشاه یمن معرفی کرد و مردم را به اطاعت خود درآورد<sup>۱۴</sup> و

۱. العین، ج ۴، ص ۴۹؛ تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۱۵۸، «بره».

۲. الاغانی، ج ۱۷، ص ۳۰۴؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۵۳؛ تاج العروس، ج ۱۹، ص ۱۶، «ب ر ه».

۳. تفسیر مقاتل، ج ۴، ص ۸۴۷؛ سیره ابن اسحاق، ج ۱، ص ۱۴.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۹۹؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۵۶؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۶۷.

۵. الصحاح، ج ۶، ص ۲۲۲۷، «بره»؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ق اول، ص ۲۹۱.

۶. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۹۱.

۷. تهذیب اللغة، ج ۱۱، ص ۲۴۷؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۴۳۴؛ ج ۱۲، ص ۳۲۱، «شرم».

۸. السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۹؛ البداية و النهايه، ج ۲، ص ۱۷۶.

۹. الاخبار الطوال، ص ۶۲؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۲۵.

۱۰. تفسیر ابن کثیر، ج ۸، ص ۴۵۹.

۱۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۱۲. العین، ج ۶، ص ۳۶۱، «ش ر م»؛ الکامل، ج ۱، ص ۴۳۲.

۱۳. السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۲؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۶۰-۶۱.

۱۴. الطبقات، ج ۱، ص ۷۳.

او این کلیسا را قُلَیس\*<sup>۹</sup> نام نهاد.<sup>۱۰</sup> در وصف آن گفته‌اند: در زیبایی، بزرگی، نقش و نگار، رنگ آمیزی و دیگر آرایه‌ها در یمن بی‌مانند بود. قبایل عرب با شنیدن این خبر، خشمگین شدند.<sup>۱۱</sup> مردی از نساء، قومی که ماه‌های حلال و حرام را جا به جا می‌کردند<sup>۱۲</sup> از بنی فقیم<sup>۱۳</sup> و نیز مردی دیگر از بنی مالک<sup>۱۴</sup> راهی کلیسای قُلَیس شدند و آن‌جا را آلوده کردند.<sup>۱۵</sup> در گزارشی دیگر آمده که گروهی از عرب‌ها نزدیک آن کلیسا آتش افروختند و باد آتش را به سوی معبد برد و آن را سوزاند.<sup>۱۶</sup>

ابرهه با آگاهی از این ماجرا، از عامل آن جويا شد و چون به او گفتند: مردی از مکيان بوده است، گفت: با این کار، خواسته‌اند مرا تحقیر کنند. سپس به مسیح سوگند یاد کرد که کعبه آنان را ویران کند تا دیگر کسی برای حج به مکه نرود.<sup>۱۷</sup> هدف دیگر این تهاجم را گسترش سلطه و نفوذ پادشاهی حبشه و تسلط

کشتار و ویرانی بسیار به بار آورد و هیچ سهمی از غنایم نزد نجاشی نفرستاد.<sup>۱</sup> نجاشی\* از این کار ابرهه، بسیار خشمگین شد و به مسیح سوگند یاد کرد که وی را بکشد.<sup>۲</sup> ابرهه از خشم نجاشی بیم ورزید و هدیه‌ها و اموال بسیاری نزد وی فرستاد و در نامه‌ای از او یاری خواست و تقاضای مهربانی و بخشش کرد و از رفتاری که با ارباط کرده بود، پوزش خواست. نجاشی او را بخشید و پادشاهی یمن در دست ابرهه ماند.<sup>۳</sup>

◀ **انگیزه‌های هجوم:** ابرهه پس از چند سال حکومت بر یمن، قدرتی فراوان به دست آورد.<sup>۴</sup> بر پایه روایت‌های تاریخی، وی در موسم حج، مردم را در حال سفر به سوی مکه برای انجام حج دید و درباره خانه کعبه جويا شد.<sup>۵</sup> آن‌گاه برای دفاع از آیین خود یعنی مسیحیت<sup>۶</sup> و نیز برای خشنودی نجاشی<sup>۷</sup> تصمیم گرفت در صنعا کلیسایی بنا نهد تا مردم از حج مکه دست بکشند و به سوی آن کلیسا حج بگذارند.<sup>۸</sup>

۹. لسان العرب، ج ۶ ص ۱۸۰، «قلس».  
 ۱۰. المنق، ص ۷۰: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۶۷.  
 ۱۱. الاضنام، ص ۴۶-۴۷.  
 ۱۲. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۴۳-۴۵.  
 ۱۳. امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۸۱.  
 ۱۴. تفسیر سمعانی، ج ۶ ص ۲۸۳: تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۶۱.  
 ۱۵. الکامل، ج ۱، ص ۴۴۲: تفسیر الجلالین، ص ۶۰۴.  
 ۱۶. البدء و التاريخ، ج ۳، ص ۱۸۶: طبقات ناصری، ج ۱، ص ۱۸۶.  
 ۱۷. المعارف، ص ۶۳۸: التبیان، ج ۱۰، ص ۴۱۰.

۱. طبقات ناصری، ج ۱، ص ۱۸۵.  
 ۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۲: طبقات ناصری، ج ۱، ص ۱۸۵.  
 ۳. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۳۰.  
 ۴. الکامل، ج ۱، ص ۴۳۲-۴۳۳.  
 ۵. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۵۶: المنتظم، ج ۲، ص ۱۲۷.  
 ۶. الطبقات، ج ۱، ص ۷۳.  
 ۷. تاریخ‌نامه طبری، ج ۲، ص ۷۱۱.  
 ۸. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۹۳-۱۹۴: زین الاخبار، ص ۴۵۳.

بر سرزمین‌های شمالی عربستان مانند مکه دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

◀ **حمله به مکه:** ابرهه در نامه‌ای به نجاشی، او را از این ماجرا آگاه کرد و از وی خواست تا فیل بزرگ و نیرومندش موسوم به محمود<sup>۲</sup> را برای حمله به مکه بفرستد و او نیز پذیرفت.<sup>۳</sup> آن‌گاه ابرهه دستور بسیج لشکر و فیل‌ها را داد. در نقل‌های تاریخی، شمار آن‌ها یک،<sup>۴</sup> هشت،<sup>۵</sup> دوازده،<sup>۶</sup> سیزده<sup>۷</sup> رأس فیل و حتی بسیار بیش از این یاد شده است<sup>۸</sup> که مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد. وی با لشکری ۷۰/۰۰۰ نفری به راه افتاد و پادشاه حمیر و نفیل بن حبیب خثعمی از بزرگان یمن نیز همراهش بودند.<sup>۹</sup> در میان راه، یکی از مردان قبیله بنی‌سلیم از سوی ابرهه به قبایل اطراف گسیل شد تا آنان را به حج معبد ابرهه تشویق

کند. در این میان، قتل او به دست مردی از قبیله کنانه، ابرهه را بیش از پیش خشمگین ساخت و سبب شد با سرعت بیشتر به سوی مکه بشتابد.<sup>۱۰</sup> چون به طائف رسید، از مردم آن دیار راهنما خواست و آنان هم اسیری از قبیله هذیل به نام نفیل را که بیشتر قصد کشتنش را داشتند، نزد ابرهه فرستادند. وقتی سپاهیان به منطقه «مغمس»<sup>۱۱</sup> و بر پایه گزارشی، «حب المحصب»<sup>۱۲</sup> در شش کیلومتری مکه رسیدند، ابرهه طلایه‌داران لشکر خود به فرماندهی اسود بن مقصود را به مکه فرستاد. وی دارایی مردم مکه از جمله ۲۰۰ شتر از عبدالمطلب بن هاشم را غارت کرد.<sup>۱۳</sup>

ابرهه، حناطه حمیری را برای جست‌وجوی بزرگ قبیله قریش به مکه فرستاد و پیام داد که نه برای جنگ با آنان، بلکه تنها برای ویرانی خانه کعبه آمده است و اگر آنان مانع نشوند، نیازی به جنگ و خونریزی نخواهد بود.<sup>۱۴</sup> حناطه پیام ابرهه را به عبدالمطلب رساند. عبدالمطلب گفت: به خدا سوگند! ما نیز نمی‌خواهیم با ابرهه بجنگیم. این خانه خدا و

۱. المفصل، ج ۳، ص ۵۰۷؛ پرتوی از قرآن، ج ۴، ص ۲۶۰.  
 ۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۵۶؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۲۴؛ تفسیر الجلالین، ص ۶۰۴.  
 ۳. التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۲۸۸.  
 ۴. تفسیر مقاتل، ج ۴، ص ۸۴۸؛ الکشاف، ج ۴، ص ۷۹۷؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۲۴.  
 ۵. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۲۴-۸۲۵.  
 ۶. جوامع الجامع، ج ۴، ص ۵۲۸؛ روض الجنان، ج ۲۰، ص ۴۰۸؛ جلاء الازهران، ج ۱۰، ص ۳۴۶.  
 ۷. الکامل، ج ۱، ص ۴۴۲.  
 ۸. الکشاف، ج ۴، ص ۷۹۷؛ التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۲۸۸.  
 ۹. الطبقات، ج ۱، ص ۷۴؛ تفسیر سمرقندی، ج ۳، ص ۶۱۸؛ الکامل، ج ۱، ص ۴۴۳.

۱۰. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۴۳؛ امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۸۱.  
 ۱۱. البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۱۷۱.  
 ۱۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۰۴.  
 ۱۳. روض الجنان، ج ۲۰، ص ۴۰۵؛ جلاء الازهران، ج ۱۰، ص ۴۴۵؛ سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۷۳-۷۴.  
 ۱۴. الکامل، ج ۱، ص ۴۴۳.

است و من برای ویران کردنش آمده‌ام، چیزی نمی‌گویی؟<sup>۸</sup> عبدالمطلب پاسخ داد: من صاحب شتران خود هستم و خانه کعبه نیز صاحبی دارد که آن را خود پاسداری خواهد کرد.<sup>۹</sup> آن‌گاه ابرهه دستور داد تا شترهای عبدالمطلب را به او بازپس دهند.<sup>۱۰</sup> عبدالمطلب آن‌ها را گرفت و قربانی نمود و در حرم کعبه انفاق کرد.<sup>۱۱</sup> سپس نزد قریش رفت و مردان قبیله قریش را از لشکرکشی ابرهه آگاه کرد و دستور داد که همراه وی از مکه بیرون روند و بر فراز کوه‌ها پناهنده شوند تا از پیامدهای جنگ در امان بمانند.<sup>۱۲</sup> سپس با چند تن از مردان قریش حلقه‌وار پیرامون کعبه گردآمدند تا خدا را بخوانند و برای شکست ابرهه از او یاری بخواهند.<sup>۱۳</sup>

در روایتی دیگر از زهری آمده است که قریش پیش از عبدالمطلب از مکه گریختند و او تا اندکی پیش از حادثه در مکه ماند و در کنار کعبه چنین مناجات کرد: پروردگارا! مردم از خانه و کاشانه خود دفاع می‌کنند. تو

خانه ابراهیم، دوست خداست.<sup>۱</sup> اگر قرار باشد که از این خانه نگهداری شود، خدا خود از خانه و حرم خود پاسداری می‌کند و کسی نمی‌تواند بر آن تسلط یابد؛ ولی اگر خدا بخواهد پای بیگانه را به خانه خویش باز کند، بر ما شایسته نیست تا از آن جلوگیری کنیم.<sup>۲</sup>

### ◀ گفت‌وگوی ابرهه با عبدالمطلب:

عبدالمطلب که مردی بزرگ، درشت اندام، با شکوه و زیبارو بود، برای گفت‌وگو با ابرهه نزد وی رفت.<sup>۳</sup> ابرهه ورودش را گرمی داشت و به احترام وی از تختش برخاست و به سویش رفت و او را کنار خود نشانده.<sup>۴</sup> آن‌گاه از مترجم خواست که درخواستش را با او در میان بگذارد. عبدالمطلب، خواستار بازپس‌گیری ۲۰۰ شتری شد که از او گرفته بودند.<sup>۵</sup> ابرهه که انتظار شنیدن چنین سخنی را نداشت، از این پاسخ دلزده شد<sup>۶</sup> و گفت: آیا با من از شتران خود سخن می‌گویی و از خانه‌ای که دین تو و پدران تو به آن وابسته

۸. الطبقات، ج ۱، ص ۷۴.

۹. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵۰؛ الامالی، طوسی، ص ۸۱.

۱۰. تفسیر تعلیمی، ج ۱۰، ص ۲۹۱-۲۹۲؛ البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۱۷۲.

۱۱. الکامل، ج ۱، ص ۴۴۴.

۱۲. زاد المسیر، ج ۴، ص ۴۹۰-۴۹۱؛ التسهیل، ج ۲، ص ۵۱۳.

۱۳. تفسیر مقاتل، ج ۴، ص ۸۴۹-۸۵۱؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۳۴؛

الکامل، ج ۱، ص ۴۴۵.

۱. زاد المسیر، ج ۴، ص ۴۹۰.

۲. دلائل النبوه، ج ۱، ص ۱۲۴.

۳. البدء و التاریخ، ج ۳، ص ۱۸۷؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۶۲؛

امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۷۵.

۴. سیره ابن اسحاق، ج ۱، ص ۳۹؛ جوامع الجامع، ج ۴، ص ۵۳۸.

۵. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۵۳-۵۵۴.

۶. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۴۹-۵۰.

۷. الامالی، مفید، ص ۳۱۲-۳۱۳.

هم از سرزمین خود حمایت فرما.<sup>۱</sup>

#### ◀ سرانجام حمله به کعبه: بامدادان

ابرهه برای ورود به مکه لشکریان خویش را بسیج کرد و همه وسایل را فراهم ساخت تا کعبه را ویران کند.<sup>۲</sup> فیل یا فیل‌های لشکر در صف‌های پیشین قرار داشتند؛ اما هنگامی که آن فیل بزرگ را به سوی مکه به حرکت واداشتند، در همان جا خود را بر زمین افکند و دیگر برنخاست.<sup>۳</sup> اما چون روی آن حیوان را به سوی یمن می‌گرداندند، به راه می‌افتاد و چون دوباره رویش را به سوی مکه می‌گرداندند، باز بر زمین می‌نشست و حرکت نمی‌کرد.<sup>۴</sup>

در این هنگام، خداوند پرنده‌گانی مانند پرستو، موسوم به ابابیل\* را از سوی دریا فرستاد. هر پرنده سه سنگریزه، یکی در منقار و دو تا در دو چنگال داشت.<sup>۵</sup> ﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿۳﴾ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ﴿۴﴾﴾ (فیل/۱۰۵، ۳-۴) ابن عباس گوید: «سجیل» از سنگ و گل<sup>۶</sup> و از عدس بزرگ‌تر و از نخود کوچک‌تر بوده است.<sup>۷</sup> ابابیل سنگریزه‌ها را بر لشکریان

ابرهه پرتاب کردند. هنگامی که سنگریزه به سر کسی می‌خورد، از پشتش بیرون می‌آید و او را می‌کشد.<sup>۸</sup> از ابن عباس و عکرمه نقل شده است که سپاهیان ابرهه همانند برگ خشک خرد شده‌ای گشتند که تنها گاه آن مانده باشد.<sup>۹</sup> آن‌گاه خداوند سیلی فرستاد و همه هلاک شدگان را به دریا ریخت.<sup>۱۰</sup>

(← ابابیل)

نجات‌یافتگان حادثه با ابرهه از مکه بیرون آمدند و به سوی یمن گریختند. برخی از آنان نیز میان راه هلاک شدند.<sup>۱۱</sup> در بدن ابرهه بیماری بدی افتاد که سبب شد یکایک اندام‌های او سست شوند و فروریزند؛ چنان‌که وقتی او را به یمن رساندند، مانند جوجه‌ای بود و سرانجام در همین وضعیت مرد.<sup>۱۲</sup> نیز نقل شده است که ابرهه نزد نجاشی بازگشت و در حالی که رخداد مکه را شرح می‌داد، ناگهان پرنده‌ای سنگی بر سرش افکند و وی را کشت.<sup>۱۳</sup>

#### ◀ پیامدها: به دلیل اهمیت فوق‌العاده سال

هجوم ابرهه به مکه، این سال مبدأ تقویم عرب

۱. دلائل النبوه، ج ۱، ص ۸۵.

۲. السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۲؛ الکامل، ج ۱، ص ۴۴۵.

۳. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۵۵.

۴. سیره ابن اسحاق، ج ۱، ص ۴۰؛ التبیان، ج ۱۰، ص ۴۱۰.

۵. معانی القرآن، ج ۲، ص ۲۹۱؛ جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۹۲.

۶. تفسیر سمعانی، ج ۶، ص ۲۸۵.

۷. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۹۳؛ تفسیر الجلالین، ص ۶۰۴.

۸. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۳.

۹. الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۹۵-۳۹۶.

۱۰. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۹۷؛ الکامل، ج ۱، ص ۴۴۵.

۱۱. المحرر الوجیز، ج ۵، ص ۵۲۳.

۱۲. المعارف، ص ۶۳۸؛ الکشاف، ج ۴، ص ۷۹۷.

۱۳. تفسیر ثعلبی، ج ۱۰، ص ۲۹۶؛ روض الجنان، ج ۲۰، ص ۴۱۱.

۵۰ روز پس از آن<sup>۱</sup> به دنیا آمده است. با پذیرش این سخن باید گفت که حمله ابرهه به مکه، ۵۳ سال پیش از هجرت رخ داده است.

### ◀ منابع

الاحبار الطوال: ابن داود الدینوری (م. ۲۸۲ق.)، به کوشش عبدالمنعم، قم، الرضی، ۴۱۲ق؛ الاشتقاق: ابن درید (م. ۳۲۱ق.)، به کوشش عبدالسلام، بیروت، دار الجیل، ۴۱۱ق؛ الاصنام (تنکیس الاصنام): هشام بن محمد کلبی (م. ۲۰۴ق.)، به کوشش احمد زکی، تهران، تابان، ۱۳۴۸ش؛ اعلام قرآن: خزائلی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱ش؛ الاغانی: ابوالفرج الاصفهانی (م. ۳۵۶ق.)، به کوشش علی مهتا و سمیر جابر، بیروت، دار الفکر؛ الامالی: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق؛ الامالی: المفید (م. ۴۱۳ق.)، به کوشش غفاری و استاد ولی، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ الانباء: ابن العرانی (م. ۵۸۰ق.)، به کوشش السامرائی، قاهره، دار الآفاق، ۱۴۲۱ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش محمد حمید الله، مصر، دار المعارف، ۱۹۵۹م؛ البدء و التاریخ: المطهر المقدسی (م. ۳۵۵ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۰۳م؛ البدایة و النهایة: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، مکتبة المعارف؛ پرتوی از قرآن: طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۰ش؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ تاریخ ابن خلدون:

پیش از اسلام گشت.<sup>۱</sup> خداوند در سوره فیل از نابودی لشکر فیل و تبدیل آنان به چیزی همچون گاه در هم کوبیده شده، سخن می گوید. سپس نتیجه این معجزه الهی را در سوره ایلاف بیان می کند: در پناه حفظ حرمت کعبه، قریش به سرزمین مقدس مکه انس و الفت گرفتند<sup>۲</sup> و به راحتی و بی هراس به سفرهای تجاری زمستانی و تابستانی به شام و یمن مسافرت کردند.<sup>۳</sup> از همین رو، خداوند در ادامه سوره فیل، سوره قریش را نازل فرمود که در واقع تکمله آن است. در پی این منت که خداوند بر قریش نهاد، از آنان خواست درون کعبه را از بت‌ها پاکسازی کنند و صاحب راستین کعبه را که خدای یکتا و بی‌همتا است، پرستند<sup>۴</sup> و زمینه تولد و بعثت پیامبر خاتم را فراهم آورند.<sup>۵</sup> بیشتر مورخان و مفسران بر این عقیده‌اند که پیامبر گرامی در سال حمله ابرهه به مکه یا عام الفیل<sup>۶</sup> یا در روز حمله ابرهه<sup>۷</sup> یا

۱. المعارف، ص ۶۳۸: الانباء، ص ۴۴: البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۲۶۱.
۲. التنبیان، ج ۱۰، ص ۴۱۳: اعلام قرآن، ص ۵۲۵-۵۲۷.
۳. تفسیر تستری، ص ۲۰۶.
۴. الکاشف، ج ۷، ص ۶۱۳.
۵. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۲۹: تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۴۵۷: سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۸۳.
۶. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۵۹: دلائل النبوه، ج ۱، ص ۷۵.
۷. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۱: المستدرک، ج ۲، ص ۶۰۳: امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۷: الفتات، ج ۱، ص ۱۴-۱۵.

۸. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۴: زین الاخبار، ص ۴۵۳: البدء و التاریخ، ج ۴، ص ۱۳۱.

۱۳۷۷ش؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان: عبدالله محمود شحاته، بیروت، تاریخ العربی، ۱۴۲۳ق؛ تهذیب اللغة: الازهری (م. ۳۷۰ق.)، به کوشش محمد عوض، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۰م؛ الثقافات: ابن حبان (م. ۳۵۴ق.)، الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق؛ جمهرة اللغة: ابن درید (م. ۳۲۱ق.)، به کوشش رمزی بعلبکی، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۷م؛ جوامع الجامع: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ دلائل النبوه: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، به کوشش عبدالمعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ روض الجنان: ابوالفتح رازی (م. ۵۵۴ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ زاد المسیر: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالرحمن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق؛ زین الاخبار: گردیزی (م. ۴۴۳ق.)، به کوشش عبدالحی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ش؛ السیره النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمیه؛ سیرت رسول الله: به کوشش مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷ش؛ سیره ابن اسحاق (السیر و المغازی): ابن اسحاق (م. ۱۵۱ق.)، به کوشش محمد حمید الله، معهد الدراسات و الابحاث؛ الصحاح: الجوهری (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ طبقات ناصری: منهج سراج (م. ۶۵۸ق.)، به کوشش عبدالحی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ش؛ العین: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی

ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علماء، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ نامه طبری: بلعمی (م. قرن ۴)، به کوشش روشن، تهران، سروش، ۱۳۷۸ش؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ التسهیل لعلوم التنزیل: ابن جزی الغرناطی (م. ۷۴۱ق.)، به کوشش خالدی، بیروت، دار الارقم، ۱۴۱۶ق؛ تفسیر التستری: التستری (م. ۲۸۳ق.)، به کوشش محمد باسل، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق؛ تفسیر الجلالین: جلال الدین المحلی (م. ۸۶۴ق.) و جلال الدین السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، النور، ۱۴۱۶ق؛ تفسیر القرآن العظیم: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ق؛ التفسیر الکاشف: المغنیه، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۱م؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق؛ تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان): الثعلبی (م. ۴۲۷ق.)، به کوشش ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ تفسیر سمرقندی (بحر العلوم)، السمرقندی (م. ۳۷۵ق.)، به کوشش عمر بن غرامه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق؛ تفسیر سمعانی (تفسیر القرآن): منصور السمعانی (م. ۴۸۹ق.)، به کوشش غنیم و یاسر، ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۸ق؛ تفسیر گازر (جلاء الاذهان): حسین بن حسن جرجانی (قرن ۹-۱۰)، به کوشش حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران،



### ابطح: مکانی شریف در پیرامون مکه

ابطح (جمع: أَباطح) به معنای رودی فراخ است که کف آن را سنگریزه پوشانیده باشد. نیز به کف و داخل دره، ریگزار، مسیل آکنده از سنگریزه و گذرگاه سیل تنگ یا فراخ<sup>۱</sup> و به هر جای فرورفته، ابطح گفته‌اند. جاهای فراوان به این نام شهرت یافته‌اند؛<sup>۲</sup> اما مشهورترین آن‌ها ناحیه‌ای در شمال مکه، حد فاصل این شهر و سرزمین منا و اندکی نزدیک‌تر به منا، میان دو کوه حجون و جبل نور و متصل به المَعْلَى است.<sup>۳</sup> اکنون بیشترین بخش ابطح در محدوده شهری مکه در منطقه مُعابده قرار گرفته است. در منابع از این سرزمین افزون بر ابطح به خیف (منزلگاه) بنی کنانه و مُحَصَّب\* یاد شده؛ زیرا از سنگریزه و شن پوشیده شده است. در گزارشی نیز از آن به ذی طوی<sup>۴</sup>\* تعبیر شده که یاقوت حموی آن را رد کرده است.<sup>۵</sup> این مکان را به سبب هموار بودنش سیل فرامی گرفته است.<sup>۵</sup>

به نقل از امام صادق علیه السلام، حضرت آدم علیه السلام به امر الهی تا طلوع فجر در ابطح درنگ

و السامرائی، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ الکشاف: الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المحرر الوجیز: ابن عطیة الاندلسی (م. ۵۴۶ق.)، به کوشش عبدالسلام، لبنان، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق؛ مروج الذهب: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ المستدرک علی الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ معانی القرآن: الفراء (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش نجاتی و نجار، مصر، دار الکتب المصریه؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۲۶۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المعرب من الکلام الاعجمی: الجوالیقی (م. ۵۴۰ق.)، به کوشش خلیل عمران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ المفصل: جواد علی، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۷۶م؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ المنجد فی اللغه: لويس معلوف (م. ۱۹۴۶م.)، بیروت، دار المشرق، ۱۹۹۶م؛ المنقح: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق.

رقیه جعفرپور / حسین تقی پور



ابطال حج ← فساد حج

۱. لسان العرب، ج ۲، ص ۴۱۳؛ مجمع البحرين، ج ۱، ص ۲۱۰.  
 ۲. «بطح» معجم البلدان، ج ۱، ص ۷۴.  
 ۳. الصحاح، ج ۱، ص ۲۵۶، «بطح».  
 ۴. اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۹؛ مجمع البحرين، ج ۱، ص ۲۱۰.  
 ۵. معجم البلدان، ج ۱، ص ۷۴.  
 ۵. نک: اخبار مکه، ج ۲، ص ۳۲۹؛ ج ۳، ص ۳۱۶.